

**متن سخنرانی خانم سنچز (Lortta Sanchez) عضو کنگره آمریکا در کنفرانس مربوط به  
یادمان قتل عام زندانیان سیاسی تابستان ۱۳۶۷ که توسط بنیاد مهر در اول سپتامبر ۲۰۰۲ در لس آنجلس برگزار شد**

با تشکر ویژه از سازمان مهر (تلاش برای نهادینه کردن حقوق بشر در ایران)، که بمن افتخار دادید که امروز در جمع شما در مورد حقوق بشر صحبت کنم.

از آغاز انتخاب در کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۶، من عمیقاً به مسائل حقوق بشر علاقه مند بوده ام. بسیاری از شما که در Orange County زندگی میکنند میدانید که اینجا محل زندگی بزرگترین جمعیت ویتنامی است که در خارج از ویتنام زندگی میکنند. آنها نیز در ویتنام با مسائل حقوق بشر روبرو هستند. به این دلیل از زمانیکه من وارد کنگره شدم مذاکرات مربوط به حقوق بشر در ویتنام را در کنگره آغاز کردم و همزمان به شورای حقوق بشر کنگره نیز پیوستم. بدین ترتیب من خود را متعهد کرده ام که در تاسیس و تحکیم مبانی قوانین حقوق بشر در سراسر جهان کوشش کنم. همچنین من بعنوان یک عضو کمیته خدمات تسلیحاتی مجلس نمایندگان، به استقرار و تضمین صلح در منطقه خاور میانه توجه و دقت خاصی دارم. ولی معتقدم که قبل از دست یافتن به برقراری صلح بین ملت ها لازم است که صلح در قلمرو حاکمیت هر ملتی مستقر گردد. صلح درون مردم هر ملیتی هم فقط موقعی میتواند نهادینه شود که مبانی حقوق بشر برای هر شهروندی به رسمیت شناخته شود و مورد احترام قرار گیرد و پاسداری شود. من شما را بخاطر فعالیتهایتان در این راه تحسین میکنم.

امروز، روز یادبود و بزرگداشت هزاران زندانی عقیدتی است که توسط رژیم اسلامی ایران در تابستان ۱۹۸۸ اعدام گردیده اند. طبق مدارکی که اخیراً در دسترس عموم قرار گرفته، فقط تا جولای ۱۹۸۸ حدود ۳۸۰۰ زندانی سیاسی قتل عام شدند. این کشتار همگانی توسط فتوای شخص خمینی در تابستان ۱۹۸۸ انجام پذیرفته است. بر طبق این فتوا آنهائیکه در زندانهای رژیم در سراسر کشور محبوس بودند، دشمنان خدا شناخته شده و محکوم به اعدام گردیدند. خمینی فتوا داد که: دشمنان اسلام را فوراً نابود کرده و برای آنکه اجرای این حکم را سرعت بیشتری ببخشید از هر گونه وسیله ای استفاده نمائید.

این کشتار همگانی هزاران زندانی سیاسی در سال ۸۸ باید در سراسر جهان بعنوان جنایت علیه بشریت شناخته شود. گزارشهای حقوق بشری منتشر شده از طرف دولت آمریکا و سازمان ملل نشان میدهند که نقض حقوق بشر از جمله ترور و اعدام مخالفان رژیم، هم در داخل ایران و هم در بیرون از مرزهای آن کشور بطور وسیع ادامه دارد. این گزارش ها حاکی از آنند که کوشش های خاتمی برای تحکیم حکومت قانون با مقاومت های زیادی از طرف تند رو ها مواجه شده است.

طبق گزارش سالانه وزارت امور خارجه آمریکا در مورد مسائل حقوق بشر که در ۲۷ اکتبر سال گذشته منتشر گردید، یکبار دیگر به نقض حقوق بشر در ایران با تاکید بیشتری اشاره شده است. بر اساس اطلاعات رسیده از ایران و نیز با تکیه به مشاهدات عینی، این نکته به روشنی ثابت شده است که امروزه در ایران حقوق بشر وسیعاً نقض میگردد. امری که باید هر چه زودتر به آن پایان داده شود.

ماه آوریل گذشته بر اساس مصوبه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، بازرسی برای آگاهی از نقض حقوق بشر در ایران متوقف گردید. این مسئله برای تعداد زیادی از ما واقعا نگران کننده بود زیرا ما معتقدیم و می دانیم که نقض حقوق بشر در ایران همچنان ادامه دارد.

تفتیش و تعقیب پیروان سایر مذاهب اعم از بهائی، کلیمی، یا مسیحی و اعدام و حبس های دراز مدت که گاه بمدت ۲۰ و ۳۰ سال نیز مشاهده میشود باید سریعاً متوقف گردد. باید به تهاجم به حریم زندگی خصوصی افراد پایان داده شود. و ما باید همچنان به افشای نقض حقوق بشر و آنچه که در ایران میگذرد ادامه دهیم.

امروزه در میان اقدامات ضد حقوق بشری رژیم اسلامی ایران بیش از همه به حقوق زنان تجاوز میشود و از این راه بیشترین لطمه ها به زنان ایرانی وارد میگردد. آنچه که بیشتر رنج آور است اینست که ستم به زنان تنها ناشی از شیوه عملکرد مجریان نیست، بلکه ناشی از وجود قوانین و مقرراتی است که در نظام حقوقی کشور پیش بینی شده اند.

در سال ۱۹۷۰ دولت ایران دو قرارداد سازمان ملل را امضاء کرد. این قراردادها عبارتند از عهد نامه بین المللی در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و عهد نامه بین المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی. اما رژیم ایران بخصوص قوای مجریه و مقننه آن کشور که مسئول اجرای این عهد نامه ها میباشند، از انجام این تعهد سر باز زده اند. بموجب عهد نامه های سازمان ملل، اعدام جوانان زیر ۱۸ سال منع گردیده است. در حالیکه بر طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران سن اعدام برای زنان ۹ سال پیش بینی شده است.

در مورد دیگر، بند ۲۳ بخش سوم CCPR عهد نامه سازمان ملل اعلام می دارد که هیچ ازدواجی بدون حضور و توافق طرفین قانونی نیست. اما طبق قوانین جمهوری اسلامی فرد قیم می تواند شخص تحت سرپرستی خود را بدون موافقت او و قبل از سن قانونی به ازدواج شخص دیگر در بیاورد. بنابراین احتیاجی به توافق یک دختر زیر ۹ سال برای انجام ازدواج نیست.

در مورد دیگر، در بند ۶ از بخش سوم CESC در موافقت نامه سازمان ملل پیش بینی شده است که زنان باید از حق مساوی برای اشتغال، و دستمزد مساوی در مقابل کار مساوی، و شرایط مناسب شغلی برخوردار گردند. اما همانطور که میدانید رژیم ایران به زنان اجازه دستیابی به مقام ریاست جمهوری و مشاغلی چون قضاوت و خدمت در نیروهای مسلح را نمیدهد.

بند ۱۲ از بخش سوم CCPR در موافقت نامه سازمان ملل اعلام می دارد که هر شهروند حق انتخاب محل سکونت و آزادی مسافرت در داخل و خارج کشور محل سکونت خود را دارد. اما برای یک زن ایرانی چنین حقی وجود ندارد و اونمیتواند برای مسافرت به خارج از کشور شخصاً اقدام کند و مجبور است قبلاً از همسر خود اجازت سفر دریافت کند.

قوانین جزائی رژیم اسلامی نیز بهمین ترتیب در مورد زنان تبعیض قائل میشوند. چنانکه طبق بند ۲۰۹ این قانون ارزش زندگی یک زن فقط به اندازه نصف زندگی یک مرد است. بعنوان مثال اگر مردی محکوم به قتل عمد یک زن باشد و اقوام مقتول خواستار مجازات اعدام برای قاتل باشند، باید مقدار مشخصی پول برای

اجرای مجازات اعدام به خانواده قاتل بیردازند. صرف نظر از اینکه چنین قانونی ذاتا بسیار وحشیانه و غیرمنصفانه است، توهین آشکار به مقام زن نیز هست. در مورد یک زن این مبلغ (دیه) فقط معادل ۵۵۰ دلار و در مورد یک مرد این مبلغ ۱۱۰۰ دلار است. و این بدان معنی است که ما زنان در مقابل قانون ارزش کمتری از مردان داریم.

مثال دیگر: سن قانونی در قانون جزای رژیم اسلامی (متمم ۱ بند ۱۲۱۰) برای مردان ۱۵ سال و برای زنان ۹ سال است. نتیجه این قانون اینست که زنان ۶ سال زودتر از مردان مشمول قوانین جزائی میگردند. همین تبعیض در مورد عمل وحشیانه سنگسار هم دیده میشود: اگر یک مرد محکوم به مجازات سنگسار شود، طبق قانون مرد را تا کمر در یک گودال قرار میدهند. در صورتیکه در مورد زنان حکم قانون آن است که آنها تا بالای سینه در گودال قرار گیرند. و با توجه به اینکه اگر محکوم قادر به خلاصی از این گودال شود حکم سنگسار او متوقف میشود، مردان امکان خلاصی بیشتری از زنان را دارند.

در تمام تاریخ مشاهده کرده ایم که در مورد رژیم های سرکوبگر، هر قدر افشاگری کمتر باشد انجام حملات علیه حقوق بشر برای آنها آسانتر خواهد بود. و اینجا است که آزادی مطبوعات رل مهمی را ایفا میکند. اما در رژیم اسلامی اگر مطالبی بر خلاف میل رژیم بچاپ برسد آن روزنامه علنا توقیف و تعطیل خواهد شد. چنانکه اطلاع داریم که تا بحال ۵۲ روزنامه در ایران تعطیل شده اند. اگر چه در ۱۳ اوت سال ۸۹ لایحه مربوط به مطبوعات در مورد زنان به تصویب قانونی رسید، با این حال در همین لایحه طرح هر گونه انتقاد و یا طرفداری از حقوق زنان در مطبوعات منع شده است. حمایت و پشتیبانی از حقوق زنان در هر گونه رسانه ای مطلقا ممنوع گردیده است با این استدلال که اینگونه بحث ها فقط باعث اختلاف و مجادله بیشتر بین مردان و زنان میگردند. طبق این قانون چاپ تصاویر زنان بدون حجاب ممنوع است. همچنین انتشار هر گونه نقد و بحث در مورد تغییر قوانین مربوط به زن ممنوع میباشد. در نتیجه مسائل زنان هرگز در مطبوعات منعکس نمی گردد.

اما باید بگویم که علی رغم این سختگیری ها امکانات مثبت فراوانی برای تضمین حقوق بشر در جهان دیده میشود که یکی از آنها وجود اینترنت است. اینترنت ارتباطات را در سطح جهانی وسیع تر، آسان تر و سریع تر کرده است. آنها قادر به جلوگیری از استفاده این تکنولوژی نیستند. من شاهد این موضوع در کوبا، چین و ویتنام بوده ام و مطمئناً اگر به کوشش خود ادامه دهیم قادر خواهیم بود که اطلاعات بیشتری از طریق اینترنت و سایر وسائل ارتباطی به مردم ایران برسانیم. بخصوص ما باید به آنها این دلگرمی را بدهیم که در اینجا و در تمام دنیا برای ادامه مبارزه در راه احقاق حقوقشان دست همکاری بسوی آنها دراز می کنیم.

ما امروز در اینجا گرد هم آمده ایم که فصلی تاریک از تاریخ بشریت را باز خوانی کنیم. بهترین وسیله برای ارج نهادن به قربانیان کشتار همگانی سال ۸۸ اینست که افکار عمومی جهان را متوجه احتیاج مبرمی که به حقوق بشر، آزادی مطبوعات، آزادی دین، آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی برای حق طلبی های گروهی است معطوف داریم. تمامی این حقوق برای هر فردی در این جهان یک حق ذاتی است. پس وظیفه ما چیست؟ وظیفه ما اشاعه هر چه بیشتر این حقایق است. ما باید هر چه بیشتر از تسهیلات اینترنتی استفاده کنیم. باید حمایت جهانیان را در این مورد کسب کنیم. و من مفتخرم که می بینم نماینده کنگره از امریکا،

آقای Tom Lantos که مسئول شورای حقوق بشر کنگره می‌باشد، قطعنامه ۵۰۴ مجلس نمایندگان را پیشنهاد نموده است. این قطعنامه مبین نظریات نمایندگان در مورد سرکوب مستمر آزادی در ایران و نقض حقوق فردی مردم، بخصوص زنان، می‌باشد. و من از اینکه یکی از حامیان و طرفداران تصویب این قطعنامه می‌باشم بخود می‌بالم.

کشتار همگانی سال ۱۹۸۸ باید در دنیا بعنوان جنایت علیه بشریت شناخته شود و ما باید خواستار اجرای عدالت در باره مسئولین این جنایت باشیم. مسئولان دولتی و آنانکه به حقوق مردم ایران تجاوز کرده اند باید محاکمه شوند. می‌دانیم که این کار آسانی نیست و مراحل دشواری را در پیش دارد. اما این راه می‌دانیم که طبق مقررات کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، راه هائی هست که بتوان به وسیله آنها این افراد را مجبور به جوابگوئی در قبال اعمالشان کرد.

من بنام تمام شهروندان جهان که دوستدار آزادی و رعایت حقوق بشر هستند از شما می‌خواهم که کوششهای حقوق بشری خود را برای ایران ادامه دهید. از دعوت شما برای شرکت در این یادمان متشکرم و روزشماری میکنم برای زمانیکه بجای شرکت در یک واقعه غم انگیز روز های خوشی را جشن بگیریم. روزی که حقوق بشر در ایران استقرار یافته باشد.